

از این روی، از همان کوجه‌ای که نسبتاً صعب‌العبور بود، به راه ادامه دادند.

منظورم از نقل این داستان، این بود که: امام، از ارتکاب مکروه هم اجتناب می‌کردند. امام، بدون جهت امام نمی‌شود، مراقبت نفس لازم است.

۲. بعد از پیروزی انقلاب، اوج قدرت امام و گذشت چندین سال از رهبری و تثبیت حکومت، یک روستایی با واسطه، از من خواسته بود که: از امام بخواهیم: یکی از لباسهای را که در آن نماز خوانده‌اند، به او بدهند.

طبیعی بود که طرح مسأله برای من، کمی، سنگین بود. تا در فرصتی، پس از انجام کارهای مربوط در آن شرفیابی، مطلب را عرض کردم.

امام احساس کردند با سنگینی مطرح می‌کنم. با تبسم شیرینی فرمودند: «این که مطلبی نیست».

همان وقت، به کسی دستور دادند: بروید آن عبا را بیاورید. با اظهار محبت به آن روستایی ناشناخته، مأمور رساندن امانت شدم. وقتی از محضرشان خارج شدم، بیشتر آقایان، بخصوص محافظین طمع کردند! وقتی جریان را گفتیم، همگان با تعجب اظهار خرسندی کردند. نتیجه این که: امام در اوج قدرت، به ساده‌ترین افراد و خواسته آنان، توجه عمیق و خاصی می‌فرمودند و بندگان خدا را دوست می‌داشتند. قدرت نباید موجب غرور شود. از این که فرصت نوشتن چیزی مناسب محله را نداشتم معذرت می‌خواهم.

آیه‌الله آذری قمی

حال. معتمد بود که: بدون تلاش و سعی، نه به دنیا می‌رسد و نه به عقبی. معتقد بود: همه چیز در سایه اسلام و عنایت به آن به دست می‌آید و هیچ چیز و هیچ کس را بر خدا ترجیح نمی‌داد.

حوزه: حساسیت امام روی چه مسائلی بود؟

* ولایت مطلقه فقیه، انجام تکلیف شرعی و وحدت همه افشار، مسؤولین با هم و با ملت.

حوزه: به نظر حضرت عالی، رمز موفقیت حضرت امام، رحمة الله علیه، چه بود؟

* به نظر حقیر، همه چیز را باور کرده بود: از خدای متعال تا بهشت و جهنم، قدرت خداوند و اسلام و مسلمین؛ بویژه مردم شیعه ایران. بر این اساس، به چیزی که نمی‌اندیشید خودش بود. عزت و آبروی خود را برای پیشبرد اسلام مصرف می‌کرد، نه اسلام را برای خود و مقام. در عین

شرفیاب شدیم و مسأله را مطرح نمودیم. (قطعاً ایشان از ما بیشتر ناراحت بود).

فرمودند: اگر آقای بروجردی اجازه بدهد یک روزه تمام ایران را علیه شاه می شورانیم!

خوشحالی و شادمانی که برای ما از این اعتماد به نفس و روحانیت و مرجعیت شیعه و مردم مسلمان ایران حاصل شد، فراموش نشدنی است.

ما به ایشان چنین اعتمادی داشتیم!

آن روز نجات ایران و اسلام، به دست مبارک ایشان، قابل پیش بینی بود که بعداً در سال ۴۳، این اعتماد به مردم و احساس قدرت الهی توسط معظم له در سخنانی مسجد اعظم ابراز گردید که:

«تمام بیابانهای قم را می توانیم از مردم غیرتمند عشایر لرستان و جاهای دیگر پر کنیم.»

رحمت الله علیه و جزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء. آمین یا رب العالمین.

حوزه: چنانچه خاطره آموزنده ای از حضرت امام، رحمه الله علیه، به یاد دارید یا شنیده اید، بیان کنید.

* خاطره ای که برای من بسیار جالب و آموزنده بوده و هست این است که: در سالهای ۳۳ و ۳۴، آقای فلسفی، واعظ شهر، به پشتیبانی مرحوم آیه الله العظمی بروجردی، مبارزه با بهائیت را آغاز کرد و رژیم پهلوی، بر حسب ظاهر، پشتیبانی می کرد. ناگهان با چرخش صدو هشتاد درجه ای شاه رویه رو شدیم. شاه مرجعیت شیعه و علمای بزرگ تهران را تحقیر کرد. این مطلب، بر فضلالی حوزه گران آمد و یک حالت حیرت و سرگردانی دست داد. چگونه باید این تحقیر جبران شود و راه آن چیست؟ به معظم له پناه بردیم. من و چند نفر دیگر خدمت ایشان

آیه الله مظاهری

جانگداز سید الفقهاء والمجاهدین، زعیم الملة والدين استنادنا الأعظم، حضرت امام خمینی، افاض الله علينا من بركات تربته الشریف، قرار گرفته ایم. امامی عظیم الشان و والا مقام که درک جوانب مختلف علمی و عملی او به سهولت، ممکن نیست. در هر حال، از باب ادای وظیفه شاگردی، جملاًتی، هر چند کوتاه، تحریر می نمایم. در پاسخ این سؤال مهم و قابل توجه و

حوزه: به نظر حضرت عالی، رمز موفقیت حضرت امام، رضوان الله تعالی علیه، چه بود؟

* با تشکر و امتنان از دست اندرکاران مجله حوزه و آرزوی توفیق برای آنان.
اکنون در آستانه سومین سالگرد ارتحال

تعمق که رمز موفقیت حضرتش در چه بود و چه چیزی باعث شد تا امام راحل امت اسلام، این گونه سرافراز و قدرتمند گردد؟ باید گفت: سر توفیق آن بزرگمرد را در سه چیز باید جستجو کرد، سه اصلی که پایه‌های اساسی موفقیت چشمگیر ایشان بود. این سه پایه عبارتند از:

۱. علم ۲. عمل ۳. عقل

مقام شامخ آن امام عزیز، براهل فن و محققین حاضر امت اسلامی پوشیده نیست. حضرتش در فقه، اصول، عرفان، فلسفه و اخلاق، مجتهدی بی نظیر، محقق و متفکری بی بدیل بود.

مقام علمی ایشان، با ترکیب عمل و عقل معظم له، باعث شده تا با دست مبارک وی، اسلام اصیل، مجد و عظمت دوباره یابد و پس از سالهای دراز غربت، اسلام و مذهب از گوشه مساجد و منابر به میدان عمل و جامعه کشیده شود و قرآن مظلوم در کنار طاقچه‌ها، طاق ایمن اجتماعی اسلامی گردد. از این روی در بیانات مهم خود خطاب به حوزه‌های علمیه، به این نکته اساسی که فقه سنتی و جواهری اسلام، فلسفه عملی حکومت است، تصریح فرموده‌اند.

در میدان عمل و تقوا، امام بزرگوار، استاد بی بدیل اخلاق در عصر خویش بود. نمونه یک انسان متخلق به اخلاق الهی و مهذب را، در وجود او باید جستجو کرد.

او عارفی بود که عرفان ناب را به سیاست اسلامی آمیخته بود؛ لذا در این میدان بزم و رزم، به جهاد فی سبیل الله پرداخت. همین مقام عملی او باعث شد تا به دنیا بسیاری اهتمام گردد و حتی

در زمانی که بر اریکه قدرت مطلق اسلام تکیه زده بود، از کمترین منافع دنیا بهره برد و زهد و ساده زیستی را به دیگران، مخصوصاً مسؤولین نظام توصیه کند.

همچنین پایه دیگر موفقیت ایشان را، باید در عقل و تدبیر بی نظیر حضرتش جستجو نمود؛ چرا که اندیشه او در ترکیب با علم و عملش، از این مرد الهی سیاستمداری بی بدیل و عالی مقام به وجود آورد او را در قلوب آزادگان عالم جای داد و او را بسیار دوراندیش نمود و حقاً اسلام و نظام جمهوری اسلامی، استمرار و بقای خود را در طوفانهای سهمگین داخلی و خارجی، و امدار تدبیر اندیشه والای سیاسی اوست، همانگونه که وجود و حصول خود در این عرصه را نیز مدیون عقل کامل ایشان است.

حوزه: حضرت امام، روی چه مسائلی حساسیت بیشتری نشان می دادند؟

* در پاسخ به این سؤال باید گفت: امام عزیز، مهمترین نقطه حساسیت خود را بر اسلام متمرکز فرموده بود. در همان سالهای خونین ۴۲ نیز به ضرس قاطع و فریاد آشکار فرمودند:

«بیا خیزید و اسلام را حفظ کنید ولو بلغ ما بلغ».

از همین جا بود که مدام نسبت به محرومان و مستضعفان توصیه و تأکید می فرمود و آنان را صاحبان اصلی نظام و انقلاب اسلامی به شمار می آورد، از این روی، مسؤولان و دست اندرکاران

کشور را به ساده زیستی و عدم فاصله با مردم و امت بیدار، دستور می داد و به همین علت بود که نسبت به مسائل جاری حوزه های علمیه و دانشگاهها بسیار حساس بود و در سخنان گهربار و پیامهای مهم خود، نسبت به این دو مرکز علمی و فرهنگی توصیه های گوناگون می فرمود و اقشار این دو کانون را از نیرنگهای دنیا طلبان و سیاست بازان و متحجران و فاسقان آگاه می نمود.

حوزه: اگر خاطره ای آموزنده از حضرت امام، به یاد دارید، یا شنیده اید بیان کنید.

* اقا در باب ذکر خاطره ای از امام امت، لازم است خاطره ای را که برای جمیع امت اسلامی مفید می شمارم، متذکر گردم:

در جلسه ای خصوصی، پس از رد و بدل شدن صحبت های مختلف، به این جانب فرمودند:

«من معتقدم که: این انقلاب را، از ابتدا تا کنون، دست قدرت الهی، که فوق تمام ایدی است، بدین جا آورده است و همان یدالله، این انقلاب عظیم را حفظ می فرماید.»

البته واضح است حفظ این نظام، به حفظ وحدت امت اسلامی است که امام بزرگوار نیز بسیار بدان توصیه می فرمود.

خاطره ای نیز برای طلاب محترم باید متذکر گردم: حضرت امام، همیشه به ما طلاب می فرمود:

«مواظب باشید که اسلام از ناحیه شما ضربه نخورد.»

و این نشان می دهد که امام عزیز، تا چه اندازه به افعال و کردار و اندیشه های حوزویان و روحانیان محترم توجه می فرمود و حساسیت نشان می داد.

البته تمام دوران تدریس ایشان، در حوزه علمیه قم، سرشار از خاطرات گرانبهاست که در این جا مجال پرداختن به آنها نیست. فقط اشاره می کنم به نظم بی نظیر ایشان در امور دینی و امور روزمره زندگی، مسأله تحقیق و موشکافی عمیق حضرتش در مسائل علمی و...

از همین فرصت استفاده کرده و به طلاب عزیز تأکید می کنم که تحقیق و تدقیق و تأمل در مسائل علمی را، که همان شیوه سلف صالح و فقهاء عظام و حضرت امام، علیهم الرحمة والرضوان، است رها نکنند و به نکات دقیق فقهی و علمی، بیش از پیش اهتمام ورزند تا به یاری خداوند، آرمان و هدف والای امام فقید، قدس الله نفسه القدوسی، که همان جریان کامل فقه در جامعه اسلامی است، برآورده گردد. ان شاء الله.

